

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

ا.م. شیریں
۰۱ جون ۲۰۲۱

روز جهانی حمایت از کودکان



اول جون (۱۱ خرداد) روز جهانی حمایت از کودک است. این، یکی از نسبتاً قدیمی‌ترین جشن‌های جهانی می‌باشد، که از سال ۱۹۵۰ برگزار می‌شود. تصمیم به برگزاری آن توسط فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان در جلسه ویژه‌ای در نومبر ۱۹۴۹ اتخاذ گردید.

این روز در درجه اول یادآوری ضرورت توجه و احترام بزرگسالان به حقوق کودکان در زندگی، تحصیل، استراحت و اوقات فراغت، حفاظت از خشونت، محافظت در برابر استثمار کودکان به عنوان شرایط لازم برای شکل‌گیری یک جامعه انسانی و عادلانه است.

کودکان تقریباً ۲۰-۲۵ درصد از جمعیت هر کشور را تشکیل می‌دهند. امروزه بیش از ۲۱ میلیون کودک در کشور ما- ایران زندگی می‌کند که تنها ۱۰-۱۲ درصد آن‌ها کاملاً سالم هستند و متأسفانه، اکثریت آن‌ها چون محافظت نمی‌شوند، در معرض خطرات مختلف، از جمله، آینده کاملاً ناروشن قرار دارند.



هر جا که سخن از کودکان، زنان، کارگران و سایر زحمتکشان ستمدیده جوامع انسانی به میان می‌آید، بی‌اختیار به یاد جامعه سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی می‌افتم، که به دست مافیای جهانی و داخلی سرمایه نابود گردید. جامعه‌ای که در آن کودکان قشر واقعاً ممتاز بودند. فرمان مبارزه با بی‌خانمانی یکی از اولین فرامین دولت شوروی بود. کودکان بی‌خانمان، از تكدی‌گری در خیابان‌ها، ولگردی و در بهترین حالت، زندگی در پناهگاه‌های زیرزمینی به مدارس، مدارس شبانه روزی و مجتمع‌های کارآموزی هدایت شدند. همه یا اکثر آن‌ها به درجات بالای علمی- فنی رسیدند. افسوس، که امروز گذشته دهشتناک سرمایه‌داری وحشی با تمام مظاهر زشت آن در روسیه احیاء شده و این کشور نیز مانند همه جوامع سرمایه‌داری با پدیده رقت‌انگیز کودکان کار، خیابانی، بی‌سرپرست، ولگرد، زباله‌گرد و عمدتاً معتاد مواجه است، که اغلب گدائی می‌کنند، مورد خشونت و تجاوز واقع می‌شوند.



بعید است کسی از این واقعیت بی‌اطلاع باشد، که به دنبال حذف اتحاد شوروی از نقشه سیاسی جهان، «بشردوستان» غربی، به ویژه، امریکائی، به عبارت صریح‌تر، تاجران انسان فوج فوج به ویرانه‌های برجای مانده از این کشور بزرگ سرازیر شدند و با وعده و وعیدهای طلانی فرزندان خانواده‌هایی را که در اثر شوک‌های پیاپی از اداره امور زندگی و تأمین معاش خانواده ناتوان مانده بودند، اغلب به ازای چند ده یا چند صد دالر خریداری می‌کردند. آن وقت‌ها اوضاع معیشتی و روحی- روانی عموم چنان بحرانی بود که همه گیج شده بودند و اصلاً به ذهن‌شان خطور نمی‌کرد، چرا این «بشردوستان» که حالا به صرافت فرزندان خود خواندگی افتاده‌اند، خودشان علاقه‌ای به فرزندآوری ندارند! در جریان زلزله ویرانگر جمهوری فقیر هائیتی (۲۰ اسفندماه [حوت] ۱۳۸۹ - ۱۱ مارچ ۲۰۱۱) نیز اتفاقات تقریباً مشابهی افتاد. کوبای سوسیالیستی و برخی کشورهای دیگر گروه‌های امداد و نجات و تیم‌های پزشکی برای کمک به مردم هائیتی اعزام کردند. امپریالیسم امریکا واحدهائی از ارتش مزدور خود را به آنجا فرستاد. در آن روزها **فرمانده فقید، فیدل کاسترو** یک سخن ماندگار تاریخی دیگر بر زبان راند: **«کوبا برای کمک به هائیتی تیم‌های پزشکی اعزام می‌کند، امریکا سرباز می‌فرستد»!**

آری، به دنبال استقرار نظامیان امریکائی در هائیتی، دسته‌های زیادی از امریکا، انگلیس، فرانسه، هالند و دیگر کشورهای غربی برای خرید کودکان بی‌سرپرست به این کشور سرازیر شدند. بی‌تردید، اکثریت آن‌ها را کار چاق‌کن‌ها و دلالان محترم بازارهای سکس، برده‌داران «متمدن»، تاجران اعضای داخلی بدن انسان و مافیای گدائی تشکیل می‌دادند. چرا که، تأمین آینده چنین بازارها، وابسته به این قبیل کودکان است.

در مجموع، کودکان کار، متکدی، ولگرد، بی‌سرپرست، زباله‌گرد و... در اصل فرزندان خانواده‌های فاقد امکانات ابتدائی زندگی هستند، که نه تنها از فروخته یا ربوده شدن فرزندان خود نگران نیستند، حتی در اغلب موارد داوطلبانه آن‌ها را به مافیای گدائی و بردگی اجاره می‌دهند.



به این ترتیب، آشکارتر شد، که مافیای گدائی و بردگی کودکان مدتهاست به سطح یکی از مافیاهای متعدد سرمایه‌داری فراروئیده و به یک حوزه «تجارت» بسیار سودآور تبدیل گردیده است. بدترین حال این است که شخصیت‌های اصلی این تجارت جنائی پرسود را کودکان ربوده شده، فریب‌خورده، بی‌سرپرست، یتیم، اجارمئی یا خریداری شده تشکیل می‌دهد. به طوری که تا به امروز، هیچ کس و یا هیچ نهاد دولتی نتوانسته مانع این امر بشود.



واداشتن کودکان به گدائی و بردگی امروزه به يك شغل سودآور تبدیل گردیده، که بدون ترس از مجازات توسعه می‌یابد. نظام قضائی برای دستگیری و مجازات افرادی که «گدائی» کودکان را زیر چتر حمایت خود می‌گیرند، هیچ اقدامی به عمل نمی‌آورد. اگرچه راه‌های شناخت و اثبات کیستی مافیاهای این رسته و کودکان قربانی بسیار ساده است. امروزه گدائی کودکان معلول در صندلی‌های چرخدار، در همه جا قابل مشاهده است. هر یک از آن‌ها جزئی از این طرح‌های بزرگ مافیائی می‌باشند. منتها، دولت‌های سرمایه‌داری برای شناسائی آن‌ها و مبارزه با این پدیده علاقه مند نیستند. برای این که خودشان در این امر ذی نفع اند.

با این اوصاف، این واقعیت که دولت ما در مورد این که چه تعداد کودک در کشور به مدرسه نمی‌رود، اطلاعات دقیق ندارد یا اگر دارد، اعلام نمی‌کند. نکته این است که در بسیاری از مناطق دور افتاده کشور، نه اوضاع معیشتی مردم به‌سامان است و نه آنچنان مدرسی وجود دارد که در قبال عدم ثبت‌نام کودکان کار، زباله‌گرد، گدا و غیره در کلاس اول احساس مسئولیت بکند. چرا که بخش اصلی آموزش و پرورش خصوصی‌سازی شده است. این در حالی است که طبق گزارش‌های متعدد رسانه‌های جمعی، قریب ۶ هزار تن از «آقازادگان» مقامات «مؤمن» و «انقلابی» در خارج از ایران به اندازه بیش از سه سال بودجه کشور پول در حساب‌های بانکی خود دارند و به زندگی اشرافی رویائی مشغولند. حتی، بسیاری از این «آقازادگان» به منظور بهرهمندی از حقوق شهروندی، فرزندان خود را در کشورهای غربی به

